

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۸، یکشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۵۸
کلمه‌نامه، ۱۵ ریال

شماره ویژه اول ماه مه



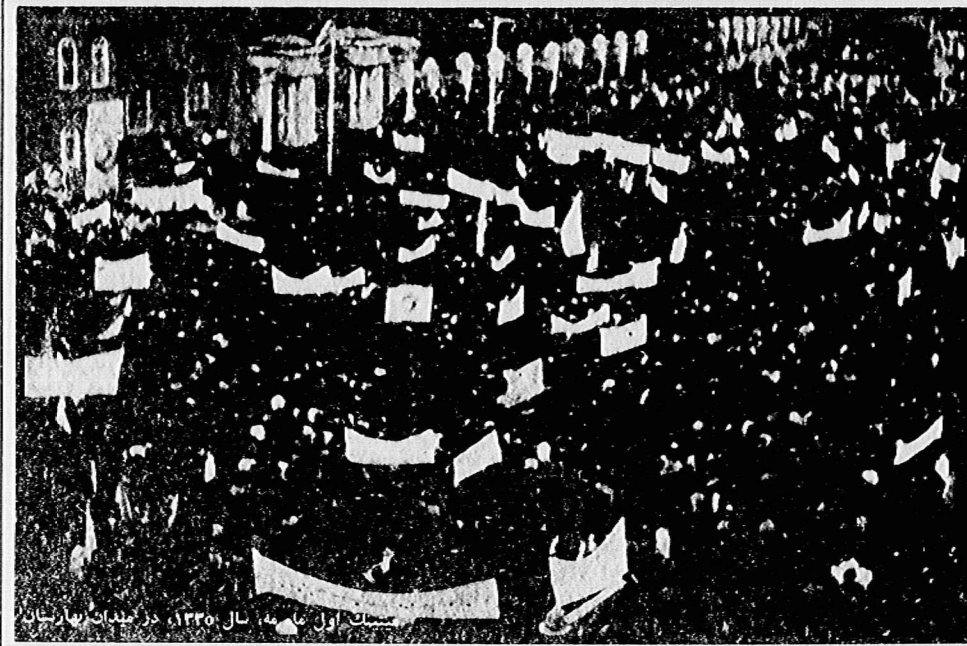
جشن اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان

روز اول ماه مه (یازدهم اردیبهشت)، روز شکوهند همبستگی جهانی طبقه کارگر است. در این روز کارگران و زحمتکشان در سراسر جهان قدرت اتحاد و تشکل خود را به نمایش می‌گذارند، پیروزی‌هایی را که در مبارزه به‌دست آورده‌اند، جشن می‌گیرند، برای مبارزات آینده صفوف خود را به‌مقیاس هر کشور و به‌مقیاس جهانی بیشتر می‌فشرند. نیرومندی طبقه کارگر، ضامن پیروزی کارگران و زحمتکشان، در اتحاد و تشکل است و به‌نسبتی که زحمتکشان هر کشور اتحاد سازمان یافته‌تری داشته باشند، به‌نسبتی که با سازمان‌های کارگری دیگر کشورها همبستگی مستحکم‌تری داشته باشند، به‌همان نسبت بتوانند، مبارزه آن‌ها نبربخش‌تر، پیروزی آن‌ها قاطع‌تر خواهد بود. این حقیقتی است که همه‌جا، در سراسر جهان، به‌اتبات رسیده و در انقلاب خلقی ایران نیز با درخششی خیره‌کننده نمودار گردید. اهمیت جشن اول ماه مه در بیان این حقیقت است.

کارگران و زحمتکشان ایران روز اول ماه مه امسال را با سربلندی و سرفرازی جشن می‌گیرند. آن‌ها به‌حق می‌توانند افتخار کنند که به‌رغم یک‌ربع قرن سلطه جهنمی رژیبی که هرگونه تشکل صنفی و سیاسی را از آن‌ها سلب کرده بود، توانستند همچون نیروی متحد و متشکل برتوانی، چنان نقش قاطعی در انقلاب ملی و دموکراتیک ایران ایفا کنند که واژگونی رژیم جبار و وطن‌فروش پهلوی تحقق یابد. همه‌کس می‌داند و نمی‌تواند نداند که اگر طبقه کارگر و زحمتکشان ایران با قدرت اتحاد خود وارد میدان نبرد نشده بودند، اگر بارگران اعتصابات را با سرسختی بدون‌نی‌گرفتند، اگر سلاح اعتصاب سیاسی سراسر کشوری را با جسارت و جانشانی به‌کار نمی‌بردند، آن وحدت کوینده انقلابی خلق به‌وجود نمی‌آمد، چرخ‌های اعمال قهر حکومت آخموخوار شاه چنبر نمی‌شد، کمر سلطه امپریالیسم در ایران نمی‌شکست، طبقه کارگر ایران در پیروزی انقلاب نقش قاطع ایفا کرد. هرکس که صادقانه به‌انقلاب پیروزمند خلقی ما وفادار است، نمی‌تواند در برابر این پهلوای انقلاب - کارگران و زحمتکشان ایران - سر به‌اجتزاز فرو نیاورد.

کارگران و زحمتکشان ایران جشن اول ماه مه امسال را در شرائطی برگزار می‌کنند که در کوره انقلاب آبدیده شده، در عمل بیشتر و بهتر از هر وقت دیگر دریافته‌اند که وثیقه پیروزی در مبارزه، وحدت و تشکلات است. انقلاب ملی و دموکراتیک ایران با واژگون ساختن رژیم کارگزار امپریالیسم، پیروزی بزرگی به‌دست آورده است. ولی دشمن غدار و حیله‌گر هنوز به‌طور کامل و برای همیشه سرکوب نشده است. او قیاب برچهره می‌زند و رنگ عوض می‌کند، و در صدد جمع و جور کردن صفوف متلاشی خویش است، تلاش می‌کند تا شاید بتواند بهشت گمشده خود را باز ستاند و کشور را مجدداً به‌جهنم زحمتکشان و میهن‌پرستان بدل سازد. با سلاح وحدت، با مبارزه هوشیارانه سیاسی باید این تلاش مذبوحانه ضد انقلاب را عقیم کرد و انقلاب را به‌سراجام پیروزمند و بی‌بازگشت رسانید. به‌همین دلیل کارگران و زحمتکشان ایران بایستی صفوف خود را در سندیکاهای صنفی بیشتر و مستحکم‌تر متشکل و متحد کنند، به‌ندای حزب سیاسی خویش - حزب توده ایران - توجه دقیق کنند، لحظه‌ای فراموش نکنند انقلابی که انجام گرفته، انقلاب ستمکشان برضد ستم‌گران، یا به‌گفته امام خمینی رهبر انقلاب ایران، انقلاب مستعینین برضد مستعینین بوده است، آبی از نظر دور ندارند که حفظ پیروزی انقلاب دشواری‌های گرانی به‌همراه دارد.

کارگران و زحمتکشان ایران جشن اول ماه مه امسال را در شرائطی برگزار می‌کنند که حزب توده ایران - حزب طبقه کارگر ایران - علناً به‌فعالیت قانونی خود پرداخته و روزنامه «مردم»، ارگان مرکزی حزب منتشر می‌شود. کارگران و زحمتکشان ایران عزیز، می‌توانند افتخار کنند که به‌رغم پیگردهای خونین چند ده ساله توانسته‌اند حزب سیاسی خود را همچون مرغ آتش در جهنم رژیم محوف پهلوی زنده و فعال نگاه‌دارند تا به‌هنگام آزادی پرگشاید. اینک در شرائط نوین کنونی، انجام وظائف نوینی در برابر کارگران و زحمتکشان ایران قرار دارد. این وظائف در اعلامیه کمیته مرکزی حزب به‌مناسبت اول ماه مه، در شماره ۷ «مردم»، مشخص شده‌اند، این وظائف خواسته‌های اصلی و سیاسی کارگران و زحمتکشان است و تردیدی نیست که طبقه کارگر قهرمان ایران در اتحاد با دیگر طبقه در صفحه ۲



مستحکم باد اتحاد کارگران و زحمتکشان در میدان (سراسر)

جشن اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان را هرچه باشکوه‌تر برگزار کنیم!

جشن اول ماه مه امسال، در دوران پیروزی نخستین مرحله انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران، در نخستین بهار آزادی برگزار می‌گردد. پیشکار فخرمانانه اتحاد کارگران و زحمتکشان ایران شرط ضرور برای این پیروزی و تحقق این آزادی بود. حفظ و تحکیم این اتحاد در شرایطی که می‌باید دستاوردهای انقلاب را تحکیم کرد و انقلاب را به‌پیش‌برد، در شرایطی که ضد انقلاب با تمام نیروی اهریمنی خویش و به‌اشکال گوناگون تفرقه‌افکنی می‌کند، تا مگر آب رفته را به‌جوی بازگرداند، مبرم‌ترین و بهترین وظیفه

کارگران و زحمتکشان و همه مبارزان انقلابی است. با توجه به‌این وظیفه خطیر است که «کمیته برگزاری جشن اول ماه مه - کمیته منتخب سندیکاهای کارگری ایران» تصمیم خود را در برگزاری جشن اول ماه مه اتخاذ کرده است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران با ابراز خرسندی از این تصمیم و شادمانی صمیمانه، به‌مناسبت جشن اول ماه مه، به‌همه کارگران و زحمتکشان ایران، از همه اشخاص، هواداران و دوستان حزب دعوت می‌کند که در جشن اول ماه مه فعالانه شرکت کنند.

طبق تصمیم «کمیته تدارک برگزاری جشن اول ماه مه سندیکاهای مستقل و شوراهای کارگری کارخانجات تهران» کارگران و زحمتکشان در میدان توپخانه جمع خواهند شد و به‌وسیله میدان امام‌خمینی (فوزیه سابق) حرکت خواهند کرد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر

ایران است

سرشت طبقاتی یک حزب را از عمل تاریخی آن حزب می‌شناسند

اگر منکران حزب این سرشت را بدین نحو نمی‌فهمند، طبقه کارگر ایران خود حزب خود را می‌شناسد.

حزب توده ایران، از نخستین روزپیدایش خود از جهت ماهیت مونیوع‌گیرسری اجتماعی خویش، به‌طبقه کارگر ایران تمایق داشت، زیرا با تمام نیرو با تلاش و جسارتی که تا آن‌هنگام در عرصه‌سیاست ایران بی‌سابقه بود. در عمل به‌دفاع از حقوق سنی و سیاسی طبقه کارگر و انشاء و انتقاد نظامات و مقررات ضد کارگری پرداخت.

در آن‌هنگام طبقه کارگر ایران، از هر لایه و رسته، از هفتصد هزار نفر تجاوز نمی‌کرد. دیکتاتوری بیست ساله رضاشاهی حتی بردن نام «کارگر» را بقیه در صفحه ۲

همبستگی جهانی زحمتکشان

روز اول ماه مه روز همبستگی بین‌المللی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان است. چرا کارگران و زحمتکشان در هر کشوری که باشند باهم همبسته‌اند؟ چرا این همبستگی بین‌المللی است؟ چرا روز معینی برای بروز این همبستگی معین شده است؟ زحمتکشان در هر جای جهان که باشند دارای یک‌رشته منافع مشترک و یک‌رشته اصول و خواسته‌ها و آرمان‌های اساسی هستند که آن‌ها را به‌هم نزدیک می‌کند، به‌هم پیوند می‌دهد، یگانگی می‌کند. مثلاً کارگر و زحمتکش، اگر ایرانی باشد یا مراکسی، اگر اینالیایی باشد یا ویتنامی، اگر مکزکی باشد یا مجاری، مسلم است که در شرایط بسیار مختلفی زندگی و کار می‌کند، روند جامعه و مسائل مختلف کنوری و سنی آن‌ها باهم متفاوت و گاه به‌کلی متفاوت است. بنابراین هر یک از آن‌ها وظایف جداگانه و مشخص و مخصوص به‌خود دارند. اما همه رنجبران، همه کسانی که کار و از قبل زحمت خود زندگی بقیه در صفحه ۶

طبقه کارگر متحد همه چیز، طبقه کارگر متفرق هیچ چیز

نیروی کار کارگر را، صرف‌نظر از این تفاوت‌ها، می‌خرد. جانب دیگر قضیه این‌است که کارگران و زحمتکشان هم، باوجود این تفاوت‌ها و سرفتنظر از این تفاوت‌ها، دارای حقوق و منافع مشترک و واحداند، و از این حقوق و منافع مشترک و واحد هم‌فقط با اتحاد و وحدت عمل خود می‌توانند با موفقیت دفاع کنند. زیرا اگر چه استثمارگر صرف‌نظر از این تفاوت‌ها، کارگر را استثمار می‌کند، ولی از این تفاوت‌ها برای دارد و از چه مانی است. استثمارگر

مستحکم باد اتحاد کارگران و زحمتکشان

جشن اول ماه مه - روز...

- زحمت‌کشان کشور، تمام نیروی خود را برای تحقق آنها به‌کار خواهد برد.
- جشن اول ماه مه بر طبقه کارگر و زحمت‌کشان ایران و جهان فرخنده و شاد باد!
- به‌پیش در راه تحکیم تشکل و اتحاد طبقه کارگر ایران!
- به‌پیش در راه ریشه‌کن کردن نفوذ امپریالیسم و بازمماندهای رژیم سرنگون شده پهلوی!
- به‌پیش در راه ساختن ایرانی مستقل، آزاد و آباد!
- باینده باد، همبستگی جهانی کارگران و زحمت‌کشان!
- برقرار بار جبهه متحد خلق!

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر...

منوع کرده بود. نهرابنی نظارت می‌کرد که واژه «عسله» به‌جای «کارگر» به‌کار رود. روابط کارگرا و کارگرها و سایر نیروهای سیاسی دیگر نیز کوشیدند تا اجبارسازی قرون وسطایی انجام می‌گرفت. ساعت کاری، گاه به‌دوازده و چهارده ساعت می‌رسید. کمترین مقاومت کارگران آگاه با شخصی جز زندان و حتی شکنجه و اعدام نداشت.

مبارزه حزب و سازمان‌های سنفی کارگری که تحت رهبری سیاسی حزب بودند، برای طبقه کارگر آگاهی، شخصیت و حیثیت در خورد آنرا تأمین نمود. کارگران به‌نیروی در جامعه بدل شدند که حتی رژیم گذشته، کم‌تخت‌انبارتاری، اشتراک‌گرا، ضدانقلابی و ضد کارگری، از رژیم شاهنشاهی نیز شدیدتر بود، مجبور به‌عوام‌فریبی‌های کارگری شد و با نشانه کوشید تا خود را «دلسوزه» و «موادار» طبقه کارگر نشان دهد.

در ترکیب نهرابی حزب توده ایران، همیشه کارگران جای نخستین را داشتند. مبارزه روزمره حزب علیه فاشیسم، امپریالیسم، استبداد سلطنتی، بهره‌کشی سرمایه‌داران و برای تأمین حقوق حقه کارگران، که به‌شکل شخصی، به‌شخص انجام کارخانه یا کارخانه، شخصی به‌شخص انجام می‌گرفت، موجب شد که کارگران ایران به‌حزب توده ایران، ایمان و باوری عمیق یافتند.

درغم ماعی رنگارنگ رژیم گذشته و امپریالیست‌های حامی، به‌منظور آن که سندیکالیسم بورژوازی و ایدئولوژی‌های مزور ساخت دستگاه در مداع کارگران ایران رخنه کند و آن‌ها به‌راهی برسوند که رژیم مخواست، طبقه کارگر، به‌انگهی آن آگاهی و قدرت ارتباط طبقاتی، که در مکتب حزب توده ایران آموخت، زیر بار نرفت و در سنگر معنوی طبقاتی خود، به‌رغم مشکلات و خطرات زندگی سوز، استوار ایستاد.

در جریان انقلاب بزرگ اخیر ایران، هنگامی که طبقه کارگر ایران، متنه‌زفرست بود تا نبردهای عظیم اعصابی خود را آغاز و رژیم مستبد شاه را فلج کند، شاه مطرود، در خیالات خام خویش، این طبقه را «نیروی ذخیره» رژیم پنداشت و حتی خواست برخی تظاهرات ساواک ساخته را به‌نام طبقه کارگر جایزند وکلن نفاق بین این طبقه و دیگر قشرها بیافزاند، ولی منت نیرومند کارگران بر پوزده عفن

طبقه کارگر متحد در مرکز جبهه...

حفظ، ادامه و تشدید انتشار سوء استفاده می‌کند. یعنی هر وقت منافق خود را در خطر دید، این تفاوت‌ها را برجسته می‌کند، به‌آن‌ها دامن می‌زند تا صف متحد کارگران و زحمت‌کشان را درهم شکنند. لذا وقتی گفته می‌شود که کارگران و زحمت‌کشان، صرف‌نظر از تفاوت در مذهب و عقیده و نژاد و جنس و نتم، باید متحد شوند، این یک شعار غیر واقعی، یک تاکتیک، یک جبهه‌پردازی فریبنده نیست. این هدف مقدسی است که پایه مادی و عینی دارد، و هر کسی که خود را مدافع حقوق و منافع کارگران و زحمت‌کشان می‌داند، باید آگاهانه و با تمام نیرو در تحقق آن بکوشد.

در شرایط کنونی میهن ما، اتحاد طبقه کارگر دارای اهمیت ویژه‌ای است. فرهنگ است، تکمیل شود، خطر آنرا از حقوق و منافع سنفی و اقتصادی طبقه کارگر می‌گذرد، و گذشته است. طبقه کارگر آگاه و قهرمان ایران، باوحیت کامل در مبارزات پر دامنه سیاسی شرکت کرده، این مبارزات را به‌سطح اعصاب همگانی سیاسی ارتقا داد، وحدت تمام صفوف خلق را تحکیم کرد و در پی‌پیش منطبق رسلت تاریخی خود را، به‌پیروزی رساند. نخستین مرحله انقلاب ضد

کارگران ایران...

ولی این مشکلات امروزی را در واقع چه کسی به‌وجود آورد؟

تقسیم بی‌سکون بودن، بیکار بودن، مزد کم داشتن، تأمین مالی و بهداشتی نداشتن و مدها در دیکر صدها هزار کارگر این سرزمین باکیست؟ یا انقلاب است یا با ضد انقلاب؟ اگر کارگران و دیگر زحمت‌کشان دچار محرومیت‌های فراوان نبودند که در انقلاب آنچنان نقش برجسته‌ای را بازی نمی‌کردند، ولی انقلاب آیا می‌توانست با تکران یک «عصای مجزه» همه کارگران‌ها و دردها را به‌ناگهان بهبود بخشد؟

البته انقلاب می‌توانست، می‌تواند و باید هم بتواند برای حل مشکلات طبقه کارگر ایران برنامه‌روشن ارائه دهد و با سرعت دست به‌کار بزند. اظهارات امام خمینی نشان می‌دهد که این رهبر برجسته جنبش انقلابی حزب آپورتونیستی و رفورمیستی است، ربطی به طبقه کارگر ندارد. این سفسطه‌ها، با اشکال مختلف، امروز نیز تکرار می‌شود، ولی آیا مقامات دولتی نیز در همین جهت عمل می‌کنند و اگر به‌عملی هم دست زنند، آیا آن عمل به‌اندازه کافی و به‌شیوه درست هست؟ متأسفانه ما آگاه شاهد برخی روش‌های «ناراضی تراشی مصنوعی» هستیم که نمی‌تواند جز افزایش مشکلات و آشفتگی‌ها ثمر دیگری داشته باشد.

پدیشان جریان پیچیده‌ای پیش می‌آید: رژیم گذشته صدها مسئله و مشکل برای کارگران ایران باقی گذاشته. انقلاب مردم این امید و انتظار را برانگیخته است، که این طبقه کارگر ایران نیک کارگران و معضلات حل شود. ولی مسائل مهم همیشه ساده نیست. ولی کارگران مشاهده می‌کنند که حرکت در جهت حل این مسائل از طرف دولت موفق نتایج محسوس بار

تحول بزرگ‌ترین ممالک نیز نمی‌شاهد و آنرا بارها و بارها آزموده است. ما به‌تمام گروه‌های سیاسی که واقف خواستار رفاهی کارگر از قید بهره‌کشی و نواستمارند می‌گوییم: بهترین راه خدمت به این طبقه، تقویت حزب واحد سرشاری طبقه کارگر است، نه ایجاد تفرقه در مکتب حزب توده ایران آموخت، زیر چادگان و ندیدن یک جریان در کل تاریخی آن، یا به‌قول لنین غرق شدن در تماشای درخت و ندیدن جنگل موجب

می‌شود که افرادی طغریم حس‌نیت و علاقه به کارگران، عملاً و به‌شکل عینی سیاستی را دنبال کنند که در کنه خود مخالف منافع آن‌ها است. بیایید و حزب واحد طبقه کارگر ایران، حزب توده ایران را از هرباره تقویت کنیم و پروتاریزهای میهن را به‌افزار سازمانی و اهرم دگرگون‌ساز پروتوانی مجهز کنیم! اگر می‌خواهید واقف انقلابی باشید، وظیفه چنین است.

امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران به رهبری امام خمینی انجام داد. چنین اتحادی دارای اهمیت تاریخی است. اینک، یعنی در زمانی که انقلاب می‌پاید راه خود را به‌پیش، برای حفظ و تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه کارگران و زحمت‌کشان را در هم شکنند. اتحاد تاریخی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. به‌ویژه آن که ضدانقلاب بیکار نیست، و نه فقط بیکار نیست، بلکه به‌تعرض متقابل دست زده است و پرفرنج‌ترین سلاح آن هم تفرقه افکنی است. باسخن دیگر، اتحاد طبقه کارگر برای دفاع از حقوق و منافع سنفی و اقتصادی، که به‌ترتیب ضرورت است. اگر با اتحاد برای حفظ و تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه، که نخستین و استوارترین

نالوده بهبود وضع کارگران و زحمت‌کشان در تمام زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است، تکمیل شود، خطر آنرا در درپردار که همه چیز از دست برود، زیرا تفرقه در صفوف کارگران و زحمت‌کشان که نیروی اصلی انقلاب بوده و هستند، صرف‌نظر از آن که منافع مستقیم خود آن‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهد، عواقب بسیار منفی در منته اتحاد همه نیروهای خلق و بنابراین سرنوش آینه انقلاب خواهد داشت. برعکس، طبقه کارگر متحد می‌تواند با نیروی عظیم خود، با دستاوردهای انقلاب است!

دفاع از حقوق کارگران، کارگران را علیه روش‌های بی‌گیر انقلابی و هواداران این روش‌ها تحریک کنند، در این امید که کارگران نیز بنا به اصطلاح مسئولین امور بگویند: «سه سهار به‌نهار از این انقلابی که کردیم پشتیبان شدیم»

ولی کارگران ایران این را نگفته‌اند و نمی‌گویند و البته در سود آن‌ها نیز نیست که بگویند. کارگران ایران باید در دو جهت مبارزه کنند: اول علیه تحریکات وسیع و متنوع ضد انقلابی، که اصولاً می‌خواهد نوع دیگری از نظامات استتبارگر و دست نشانده امپریالیسم را بار دیگر به‌ایران مسلط کند. این مبارزه در شرایط کنونی، مبارزه اصلی و مقدم است. دوم علیه روش این مقامات روسی و کارفرمائی، که در چهارچوبی امکان‌ات واقعی عمل نمی‌کنند و یا شیوه‌های نادرستی را به‌کار می‌برند. کارگران ایران به‌اندازه کافی نقش انکارناپذیری در به‌زانو درآوردن امپریالیسم و استبداد داشت. اکنون نبرد ابتدا پایان نیافته. از مقامات دولتی بپرسند: برنامه شما در حق کارگران چیست؟ آیا می‌خواهید به‌انگهی تعبیر غلط آیه «ولانس نصیبک من‌الدنیا» بسود سرمایه‌داری (آن‌طور که در واقع چنین تعبیری شده است) بار دیگر دشمنان دوست‌نما فراوانند و از جاده منجر به‌پدیش «طغوت» تازهای عمده را ندیدن، می‌تواند فاجعه به‌بار آورد.

ما به طبقه کارگر ایران، که سطح بالای آگاهی و قهرمانی را از خود بارها به‌منهمه ظهور گذاشته، باور داریم و بر آنیم که در این مرحله بسیار بفرنج و آشفته، مبارزه علیه ضد انقلاب و برای پیوستن کردن پیروزی انقلاب، آن‌ها بار دیگر خود را در اوج لازم‌نشان خواهند داد.

پنجاه و هشت سال پیش یعنی در خردادماه ۱۳۰۰ کارگران و کلیه زحمت‌کشان ایران پس از یک سلسله مبارزات شدید موفق به تشکیل نخستین شورای مرکزی اتحادیه‌های حرفه‌ای گردیدند.

مبارزه در راه ایجاد سندیکاهای کارگری در ایران ۵۰ سال پیش با تأسیس اتحادیه کارگران چاپخانه موسوم به «کوچکی» در تهران آغاز شد و اتحادیه مذکور بعدها به اتحادیه کارگران چاپخانه تبدیل گردید. رشد جامعه و توسعه صنایع و ازدیاد تعداد پروتاریزهای صنعتی، ایجاد آموزشگاه‌های ابتدائی و عالی و پدید آمدن روشنفکران ملی و مترقی باعث تشدید جنبش سندیکائی شد. در سال ۱۲۹۷ شسی در شهرهای تهران، تبریز، رشت و اصفهان و پارهای از نقاط دیگر جنبش سندیکائی قوت گرفت در سال ۱۲۹۸ اتحادیه‌های کارگران چاپخانه‌ها برای نخستین بار دست به‌اعتصاب زد. در نتیجه این اعتصاب که ۱۴ روز به‌طول انجامید کارگران موفق به محدود ساختن روز کار به‌بود شرایط کار شدند. علاوه بر این در دیگر نقاط کشور نیز اعتصاب‌هایی روی داد که کم و بیش با موفقیت انجام یافت. از آن جمله است اعتصاب کارگران نفت آبادان که در سال ۱۳۰۰ به‌وقوع پیوست. باید متذکر شد که این دوره مبارزه کارگران ایران تنها مبارزه اقتصادی برای تأمین وضع مادی و شرایط کار بود. نخستین شکل مبارزه طبقاتی یعنی مبارزه اقتصادی در رشت، نهضت انقلابی کارگران ایران نقش شایانی داشت. برائز این مبارزات همکاری طبقاتی کارگران توسعه یافت و این امر نیز به‌نوبه خود موجب ازدیاد سندیکاهای مختلف کارگری گردید. در سال ۱۳۰۰ تنها در تهران ۱۵ سندیکای کارگری تشکیل شده بود که کلیه آن‌ها در اتحادیه کارگران تهران جمع بودند. به‌ابتکار همین اتحادیه بود که برای نخستین بار در تاریخ نهضت کارگری ایران روز اول ماه مه در کشور ما جشن گرفته شد. و باز در سایه مبارزات همین اتحادیه بود که دولت وثوق‌الدوله مجبور شد روز کار ۸ ساعته و آزادی عمل اتحادیه‌های کارگری را به رسمیت بشناسد.

در خردادماه سال ۱۳۰۰ با تشکیل شورای مرکزی اتحادیه‌های حرفه‌ای، کلیه سندیکاهای ایران در اتحادیه مزبور متشکل و متحد شدند و بدین طریق تعداد کارگران عضو شورای مرکزی اتحادیه‌های حرفه‌ای پس از ۴ سال بالغ بر ۳۰ هزار نفر گردید. از این تاریخ مبارزه کارگران وارد مرحله جدیدی شد. زیرا کارگران علاوه بر خواست‌های اقتصادی خواست‌های سیاسی از قبیل آزادی‌های دمکراتیک، کوتاه کردن دست امپریالیسم از شئون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور را نیز به‌میان کشیدند. شورای مرکزی اتحادیه‌های حرفه‌ای از طرف سندیکای جهانی کارگران که در فاصله بین دو جنگ جهانی فعالیت می‌کرد برسمیت شناخته شد.

در سال ۱۳۰۴ سال تأسیس سلسله منفور پهلوی دولت که از بسط نفوذ سندیکاهای کارگران در بین زحمت‌کشان به‌وحشت افتاده بود فعالیت شورای مرکزی اتحادیه‌های حرفه‌ای را قذفن کرد. ولی کارگران دست از مبارزه نکشیدند. اعتصاب بزرگی که در سال ۱۳۰۸ در نواحی نفت‌خیز جنوب روی داد و همچنین اعتصاب کارگران در سال ۱۳۱۰ که منجر به برقراری کار روزانه ۹ ساعته گردید نمونه بارزی از مقاومت سرسخت کارگران در شرایط سخت ترور پلیسی در مقابل ارتجاع داخلی و امپریالیسم بود. در سال ۱۳۰۷ کارگران ساختمان راه‌آهن سراسری ایران در شمال موفق به تشکیل اتحادیه مخفی خود گردیدند. اتحادیه مزبور در سال ۱۳۱۱ در نوشهر دست به اولین اعتصاب

نظری اجمالی به مبارزات طبقه کارگر ایران و تشکیلات سندیکائی آن

خود زد. این اعتصاب که در آن بیش از ۸۰۰ تن از کارگران شرکت داشتند با موفقیت به پایان رسید. در سال ۱۳۱۵ تعداد کثیری از کارگران ساختمان راه‌آهن سراسری ایران در شمال عضو اتحادیه کارگران راه آهن بودند. پس از فرار رضاخان و آغاز سلطنت خونین و شوم پسرش، مرحله بعدی رشد جنبش سندیکائی و کارگری در کشور ما از به‌تصویب قانون جدید کار شد. در قانون مزبور تأمین روز کار ۸ ساعته، ۳۵ درصد اضافه حقوق، تشکیل صندوق تعاون و پرداخت ۳ درصد از حقوق (یک درصد به حساب کارگران و دو درصد به حساب مؤسس) به‌صندوق مزبور، یک روز مرخصی در هفته و دو هفته مرخصی در سال و همچنین قبول تعطیل رسمی کارگران در روز اول ماه مه با استفاده از حقوق منظور گردید.

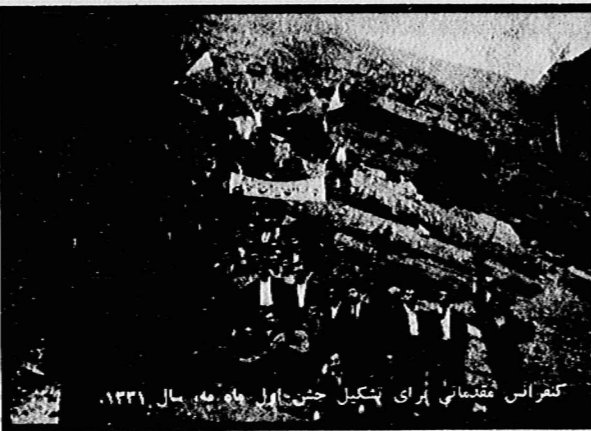
باید متذکر شد که چون کارخانه‌داران بزرگ و بخصوص شرکت نفت انگلیس و ایران از اجرای قانون کار سرباز می‌زدند، این مرحله از مبارزات کارگران منحصر به‌قبولاند اجرای قانون کار گردید. در اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۵ ده‌هزار نفر از کارگران نفت آعاجاری بدین منظور شرکت به‌اعتصاب عمومی زدند. کارگران نفت که هر آن از طرف پلیس و قوای انتظامی تهدید می‌شدند مدت ۱۴ روز اعتصاب را با موفقیت ادامه دادند. ولی شرکت نفت با آن که اجرای قانون کار را تهدد کرد، بعد از خاتمه اعتصاب مجدداً پس از تعطیل خود استتکاف جست. بدین مناسبت تقریباً دوامه پس از اعتصاب آعاجاری، کارگران نفت آبادان، اهواز، مسجد سلیمان، آعاجاری شروع به‌اعتصاب کردند. در این اعتصاب که یکی از بزرگ‌ترین اعتصاب‌های تاریخ نهضت کارگری ایران به‌شمار می‌رود بیش از صد هزار نفر کارگر شرکت جستند. اعتصاب‌کنندگان خواستار عدم دخالت شرکت انگلیسی نفت در حیات سیاسی کشور، انحلال شمه سیاسی، برکناری مصباح فاطمی استاندار خوزستان و اجرای کامل قانون کار بودند. اعتصاب پس از دو روز با موفقیت خاتمه یافت.

شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگران ایران در مدت کوتاهی سندیکاهای کارگری در مراکز صنعتی کشور از آن جمله اصفهان، تبریز و مشهد به‌وجود آورد و در اواخر سال ۱۳۲۱ توانست ۳۰ هزار نفر از کارگران ایران را متشکل سازد.

از سال ۱۳۲۳ یعنی پس از تشکیل شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمت‌کشان ایران که از طرف کلیه نیروهای مترقی و دمکراتیک پشتیبانی می‌شد، کارگران ایران دست به مبارزات بی‌سابقه‌ای در راه بهبود وضع زندگی و بسط آزادی‌های دمکراتیک زدند که در تاریخ کشورهای خاور نزدیک بی‌سابقه بود. در سال ۱۳۲۳ در نتیجه مبارزات مستمر حزب توده ایران و شورای متحد مرکزی دولت لایحه قانون کار را به مجلس برد. در لایحه مزبور کار ۸ ساعته روزانه، دو هفته مرخصی سالیانه با استفاده از حقوق، ۶ هفته مرخصی برای زنان کارگر باردار، منع استفاده از کار کودکان تا سن ۱۲ سالگی و تأمین بیمه‌های اجتماعی برای کارگران و کارمندان در نظر گرفته می‌شد. ولی اکثریت مرتجع مجلس دوره ۱۴ مانع مذاکره در پیرامون لایحه مزبور گردید.

شرکت نماینده شورای متحد مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمت‌کشان ایران در کنگره فدراسیون سندیکاهای جهانی در پاریس در سال ۱۳۲۴ و پذیرفته شدن شورای متحد مرکزی به‌عضویت فدراسیون سندیکاهای جهانی در سال ۱۳۲۵ موفقیت سندیکاهای کارگری ایران را در صحنه جهانی بیش از پیش مستحکم ساخت.

کارگران و زحمت‌کشان ایران تحت رهبری حزب توده ایران به‌تحکیم هر چه بیشتر سندیکاهای کارگری



نظری اجمالی به مبارزات طبقه کارگر ایران و تشکیلات سندیکائی آن

پنجاه و هشت سال پیش یعنی در خردادماه ۱۳۰۰ کارگران و کلیه زحمت‌کشان ایران پس از یک سلسله مبارزات شدید موفق به تشکیل نخستین شورای مرکزی اتحادیه‌های حرفه‌ای گردیدند.

مبارزه در راه ایجاد سندیکاهای کارگری در ایران ۵۰ سال پیش با تأسیس اتحادیه کارگران چاپخانه موسوم به «کوچکی» در تهران آغاز شد و اتحادیه مذکور بعدها به اتحادیه کارگران چاپخانه تبدیل گردید. رشد جامعه و توسعه صنایع و ازدیاد تعداد پروتاریزهای صنعتی، ایجاد آموزشگاه‌های ابتدائی و عالی و پدید آمدن روشنفکران ملی و مترقی باعث تشدید جنبش سندیکائی شد. در سال ۱۲۹۷ شسی در شهرهای تهران، تبریز، رشت و اصفهان و پارهای از نقاط دیگر جنبش سندیکائی قوت گرفت در سال ۱۲۹۸ اتحادیه‌های کارگران چاپخانه‌ها برای نخستین بار دست به‌اعتصاب زد. در نتیجه این اعتصاب که ۱۴ روز به‌طول انجامید کارگران موفق به محدود ساختن روز کار به‌بود شرایط کار شدند. علاوه بر این در دیگر نقاط کشور نیز اعتصاب‌هایی روی داد که کم و بیش با موفقیت انجام یافت. از آن جمله است اعتصاب کارگران نفت آبادان که در سال ۱۳۰۰ به‌وقوع پیوست. باید متذکر شد که این دوره مبارزه کارگران ایران تنها مبارزه اقتصادی برای تأمین وضع مادی و شرایط کار بود. نخستین شکل مبارزه طبقاتی یعنی مبارزه اقتصادی در رشت، نهضت انقلابی کارگران ایران نقش شایانی داشت. برائز این مبارزات همکاری طبقاتی کارگران توسعه یافت و این امر نیز به‌نوبه خود موجب ازدیاد سندیکاهای مختلف کارگری گردید. در سال ۱۳۰۰ تنها در تهران ۱۵ سندیکای کارگری تشکیل شده بود که کلیه آن‌ها در اتحادیه کارگران تهران جمع بودند. به‌ابتکار همین اتحادیه بود که برای نخستین بار در تاریخ نهضت کارگری ایران روز اول ماه مه در کشور ما جشن گرفته شد. و باز در سایه مبارزات همین اتحادیه بود که دولت وثوق‌الدوله مجبور شد روز کار ۸ ساعته و آزادی عمل اتحادیه‌های کارگری را به رسمیت بشناسد.

در خردادماه سال ۱۳۰۰ با تشکیل شورای مرکزی اتحادیه‌های حرفه‌ای، کلیه سندیکاهای ایران در اتحادیه مزبور متشکل و متحد شدند و بدین طریق تعداد کارگران عضو شورای مرکزی اتحادیه‌های حرفه‌ای پس از ۴ سال بالغ بر ۳۰ هزار نفر گردید. از این تاریخ مبارزه کارگران وارد مرحله جدیدی شد. زیرا کارگران علاوه بر خواست‌های اقتصادی خواست‌های سیاسی از قبیل آزادی‌های دمکراتیک، کوتاه کردن دست امپریالیسم از شئون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور را نیز به‌میان کشیدند. شورای مرکزی اتحادیه‌های حرفه‌ای از طرف سندیکای جهانی کارگران که در فاصله بین دو جنگ جهانی فعالیت می‌کرد برسمیت شناخته شد.

در سال ۱۳۰۴ سال تأسیس سلسله منفور پهلوی دولت که از بسط نفوذ سندیکاهای کارگران در بین زحمت‌کشان به‌وحشت افتاده بود فعالیت شورای مرکزی اتحادیه‌های حرفه‌ای را قذفن کرد. ولی کارگران دست از مبارزه نکشیدند. اعتصاب بزرگی که در سال ۱۳۰۸ در نواحی نفت‌خیز جنوب روی داد و همچنین اعتصاب کارگران در سال ۱۳۱۰ که منجر به برقراری کار روزانه ۹ ساعته گردید نمونه بارزی از مقاومت سرسخت کارگران در شرایط سخت ترور پلیسی در مقابل ارتجاع داخلی و امپریالیسم بود. در سال ۱۳۰۷ کارگران ساختمان راه‌آهن سراسری ایران در شمال موفق به تشکیل اتحادیه مخفی خود گردیدند. اتحادیه مزبور در سال ۱۳۱۱ در نوشهر دست به اولین اعتصاب

خود زد. این اعتصاب که در آن بیش از ۸۰۰ تن از کارگران شرکت داشتند با موفقیت به پایان رسید. در سال ۱۳۱۵ تعداد کثیری از کارگران ساختمان راه‌آهن سراسری ایران در شمال عضو اتحادیه کارگران راه آهن بودند. پس از فرار رضاخان و آغاز سلطنت خونین و شوم پسرش، مرحله بعدی رشد جنبش سندیکائی و کارگری در کشور ما از به‌تصویب قانون جدید کار شد. در قانون مزبور تأمین روز کار ۸ ساعته، ۳۵ درصد اضافه حقوق، تشکیل صندوق تعاون و پرداخت ۳ درصد از حقوق (یک درصد به حساب کارگران و دو درصد به حساب مؤسس) به‌صندوق مزبور، یک روز مرخصی در هفته و دو هفته مرخصی در سال و همچنین قبول تعطیل رسمی کارگران در روز اول ماه مه با استفاده از حقوق منظور گردید.

باید متذکر شد که چون کارخانه‌داران بزرگ و بخصوص شرکت نفت انگلیس و ایران از اجرای قانون کار سرباز می‌زدند، این مرحله از مبارزات کارگران منحصر به‌قبولاند اجرای قانون کار گردید. در اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۵ ده‌هزار نفر از کارگران نفت آعاجاری بدین منظور شرکت به‌اعتصاب عمومی زدند. کارگران نفت که هر آن از طرف پلیس و قوای انتظامی تهدید می‌شدند مدت ۱۴ روز اعتصاب را با موفقیت ادامه دادند. ولی شرکت نفت با آن که اجرای قانون کار را تهدد کرد، بعد از خاتمه اعتصاب مجدداً پس از تعطیل خود استتکاف جست. بدین مناسبت تقریباً دوامه پس از اعتصاب آعاجاری، کارگران نفت آبادان، اهواز، مسجد سلیمان، آعاجاری شروع به‌اعتصاب کردند. در این اعتصاب که یکی از بزرگ‌ترین اعتصاب‌های تاریخ نهضت کارگری ایران به‌شمار می‌رود بیش از صد هزار نفر کارگر شرکت جستند. اعتصاب‌کنندگان خواستار عدم دخالت شرکت انگلیسی نفت در حیات سیاسی کشور، انحلال شمه سیاسی، برکناری مصباح فاطمی استاندار خوزستان و اجرای کامل قانون کار بودند. اعتصاب پس از دو روز با موفقیت خاتمه یافت.

پرداخته و در راه تأمین حقوق سنفی و تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی ایران مبارزات سرسخت و بی‌گیری را آغاز نمودند.

در خردادماه سال ۱۳۲۴ کارگران نفت کرمانشاه برای احقاق حقوق حقه خود دست به‌یک اعتصاب عروزه زدند. اعتصاب مزبور که از طرف اتحادیه مخفی کارگران هبری می‌شد بیش از ۹۵۰ نفر کارگر در آن شرکت داشتند. شرکت نفت انگلیس و ایران ۴۰۰ نفر از اعتبارسیون را از کار اخراج کرد. ولی ترور پلیس و اعمال ماموران انگلیس نتوانست مانع مبارزه کارگران نفت گردد. یک سال بعد اعتصاب کلیه نواحی نفت‌خیز جنوب را فرا گرفت. کارگران با مبارزه بدربرخ و بی‌گیر خود شرکت نفت انگلیس و ایران را مجبور به‌قبول خواست‌های خود نمودند. و آن‌ها در سال ۱۳۲۵ موفق به تشکیل سندیکای کارگران نفت خوزستان گردیدند و این سندیکا سپس الحاق خود را به شورای متحد مرکزی اتحادیه‌های کارگران ایران اعلام داشت. در این سال بود که تعداد اعضای شورای متحد مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمت‌کشان ایران بالغ بر ۳۰۰ هزار نفر گردید. و باز در همین سال بود که دولت تحت فشار شورای متحد مرکزی مجبور به‌تصویب قانون جدید کار شد. در قانون مزبور تأمین روز کار ۸ ساعته، ۳۵ درصد اضافه حقوق، تشکیل صندوق تعاون و پرداخت ۳ درصد از حقوق (یک درصد به حساب کارگران و دو درصد به حساب مؤسس) به‌صندوق مزبور، یک روز مرخصی در هفته و دو هفته مرخصی در سال و همچنین قبول تعطیل رسمی کارگران در روز اول ماه مه با استفاده از حقوق منظور گردید.

باید متذکر شد که چون کارخانه‌داران بزرگ و بخصوص شرکت نفت انگلیس و ایران از اجرای قانون کار سرباز می‌زدند، این مرحله از مبارزات کارگران منحصر به‌قبولاند اجرای قانون کار گردید. در اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۵ ده‌هزار نفر از کارگران نفت آعاجاری بدین منظور شرکت به‌اعتصاب عمومی زدند. کارگران نفت که هر آن از طرف پلیس و قوای انتظامی تهدید می‌شدند مدت ۱۴ روز اعتصاب را با موفقیت ادامه دادند. ولی شرکت نفت با آن که اجرای قانون کار را تهدد کرد، بعد از خاتمه اعتصاب مجدداً پس از تعطیل خود استتکاف جست. بدین مناسبت تقریباً دوامه پس از اعتصاب آعاجاری، کارگران نفت آبادان، اهواز، مسجد سلیمان، آعاجاری شروع به‌اعتصاب کردند. در این اعتصاب که یکی از بزرگ‌ترین اعتصاب‌های تاریخ نهضت کارگری ایران به‌شمار می‌رود بیش از صد هزار نفر کارگر شرکت جستند. اعتصاب‌کنندگان خواستار عدم دخالت شرکت انگلیسی نفت در حیات سیاسی کشور، انحلال شمه سیاسی، برکناری مصباح فاطمی استاندار خوزستان و اجرای کامل قانون کار بودند. اعتصاب پس از دو روز با موفقیت خاتمه یافت.

شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگران ایران در مدت کوتاهی سندیکاهای کارگری در مراکز صنعتی کشور از آن جمله اصفهان، تبریز و مشهد به‌وجود آورد و در اواخر سال ۱۳۲۱ توانست ۳۰ هزار نفر از کارگران ایران را متشکل سازد.

از سال ۱۳۲۳ یعنی پس از تشکیل شورای متحد مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمت‌کشان ایران که از طرف کلیه نیروهای مترقی و دمکراتیک پشتیبانی می‌شد، کارگران ایران دست به مبارزات بی‌سابقه‌ای در راه بهبود وضع زندگی و بسط آزادی‌های دمکراتیک زدند که در تاریخ کشورهای خاور نزدیک بی‌سابقه بود. در سال ۱۳۲۳ در نتیجه مبارزات مستمر حزب توده ایران و شورای متحد مرکزی دولت لایحه قانون کار را به مجلس برد. در لایحه مزبور کار ۸ ساعته روزانه، دو هفته مرخصی سالیانه با استفاده از حقوق، ۶ هفته مرخصی برای زنان کارگر باردار، منع استفاده از کار کودکان تا سن ۱۲ سالگی و تأمین بیمه‌های اجتماعی برای کارگران و کارمندان در نظر گرفته می‌شد. ولی اکثریت مرتجع مجلس دوره ۱۴ مانع مذاکره در پیرامون لایحه مزبور گردید.

شرکت نماینده شورای متحد مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمت‌کشان ایران در کنگره فدراسیون سندیکاهای جهانی در پاریس در سال ۱۳۲۴ و پذیرفته شدن شورای متحد مرکزی به‌عضویت فدراسیون سندیکاهای جهانی در سال ۱۳۲۵ موفقیت سندیکاهای کارگری ایران را در صحنه جهانی بیش از پیش مستحکم ساخت.

کارگران و زحمت‌کشان ایران تحت رهبری حزب توده ایران به‌تحکیم هر چه بیشتر سندیکاهای کارگری

خود زد. این اعتصاب که در آن بیش از ۸۰۰ تن از کارگران شرکت داشتند با موفقیت به پایان رسید. در سال ۱۳۱۵ تعداد کثیری از کارگران ساختمان راه‌آهن سراسری ایران در شمال عضو اتحادیه مخفی خود گردیدند. اتحادیه مزبور در سال ۱۳۱۱ در نوشهر دست به اولین اعتصاب

پیش به سوی تشکیل سندیکاهای واحد کارگری در سراسر کشور

زنده باد همبستگی کارگران و زحمت‌کشان ایران با کارگران و زحمت‌کشان سراسر جهان

تاریخ مبارزات نهضت کارگری ایران سرشار از صفحات درخشانی است که می‌تواند سرمشق شایسته‌ای برای نسل جوان کارگر کشور ما گردد. مبارزه در راه ملی کردن صنایع نفت ایران که طبقه کارگر نقش برجسته‌ای در آن ایفا می‌کردند نمونه‌نمونه‌گیری از مبارزه کارگران و کلیتاً نهضت کشتن ایران در راه استقلال ملی و کوتاه کردن دست استعمار از کشور بود.

در سالهای ۱۳۳۲-۱۳۳۰ با تشدید فشارامپریالیست‌ها و تضاد داخلی، وضع اقتصادی کشور روز به روز روبه‌خامت می‌رفت. کارگران ایران برای بهبود سطح زندگی بیگانه‌حریبه خود یعنی اعتصاب دست می‌زدند. فقط در سال‌های ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ در کارخانه‌ها و مؤسسات بزرگ تهران، تبریز، اصفهان، چالوس و غیره بیش از ۲۵۰ اعتصاب روی داد. مهم‌ترین این اعتصابات عبارت بود از اعتصاب کارگران سمنان، اعتصاب کارگران راه آهن سرتاسری ایران در سال ۱۳۳۱ و اعتصاب کارگران کارخانه‌های تبریز و چالوس در سال ۱۳۳۲.

در سال‌های مزبور نیز طبقه کارگر کارگران مبارزه اقتصادی را با مبارزه سیاسی توأم ساخت و در نخستین صف مبارزه کلیه قشرها و طبقات جامعه در راه استقلال و آزادی و در راه ملی کردن صنایع نفت، اتخاذ سیاست بی‌طرفی و مبارزه در راه صلح قرار داشت و پیروزی کودتای ضد ملی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و استقرار حکومت ترور و اختناق نتوانست مانع مبارزه طبقه کارگر ایران گردد. اعتصابات کارگران کارخانه‌های کبریت‌سازی همدان، کارگاه های کاشی تهران، نساجی اصفهان، کارگران بندری خلیج فارس، کارکنان شهرداری رشت، کارگران سدکریج، کارگران آبادان و کوره‌پزخانه‌های تهران در سال‌های کودتا نمونه بارزی از عزم خنل‌ناپذیر کارگران رشید و مبارز کشور ما برای به‌دست آوردن آزادی‌های دمکراتیک و بهبود وضع زندگی است.

در این دوران دشوار نیز کارگران ایران از هر فرصتی برای به‌دست آوردن حقوق حقه خویش استفاده نمودند. و به‌انواع و اشکال مختلف، از اعتصاب و تظاهرات گرفته تا بست نشستن و تشکیل جلسات اعتراضیه و غیره متوسل شدند. پس از کودتای ۲۸ مرداد دشمنان طبقه کارگر ایران خیال می‌کردند که هرگونه تعلقه مبارزه‌جویانه در صفوف کارگران نفت ناپود شده است. ولی اعتصاب مرداد ۱۳۳۲ کارگران آبادان، درست درسال‌های نخست‌سپهره کنسرسیوم بین‌المللی نفت، تمام محاسبات خوش‌بینانه استعمارگران را درهم فرو ریخت. گرچه مناطق نفت‌خیز همپیمان در زیر چکمه نظامیان بود ولی کارگران نفت سدس کوبی و فشار را درهم شکنده و پرچم مبارزه رادوباره برافراشتند. اعتصاب مرداد کارگران نفت آبادان با پیروزی پایان یافت و در ناسبتان و پائیز سال ۱۳۳۶ کارگران نفت مسجد سلیمان و آغاچاری سلسله اعتصاب‌هایی را آغاز نمودند. کارگران خواهان اضافه دستمزد و به‌رسمیت شناختن حق اعتصاب بودند. بنا به درخواست رؤسای کنسرسیوم نفت‌مقامات دولتی اعتصاب را غیرقانونی اعلام و سران اعتصاب را روانه زندان ساختند.

در همین ایام کارگران کارخانه‌های آجرپزی تهران و کارگران معادن رباط‌کریم اعتصاب کردند. اعتصابیون به‌شرایط تحمل‌ناپذیر مسکن و تغذیه و پائین بودن سطح دستمزدها معترض بودند. در سال ۱۳۳۷ کارگران کارخانه‌های مختلف اصفهان بکرات دست به اعتصاب زدند. در این سال ۵۵۰ نفر کسارگران لوله نفت در جزیره خارک به‌عنوان اعتراض به‌شرایط سخت زندگی و کار دست از کار کشیدند. ۲۳ مهرماه ۱۳۳۷ اعتصاب پنج‌روزه کارگران بندر شاهیرو با موفقیت پایان یافت و کارگران که برای گرفتن دستمزد اعتصاب کرده بودند کارفرمایان را وادار کردند که ۲۵ ریال بر حقوق آن‌ها بیفزایند. اعتصاب کارگران اسکی‌کارچه بود، به‌طوری‌که در دوران اعتصاب‌هفت‌گشتی در اسکله متوقف مانده و نتوانستند بار خود را تخلیه کنند.

۲۳ فروردین ۱۳۳۷ راندگان ۱۲۰۰ هزار تاکسی‌و اتومبیل در تهران اعتصاب مشهور خود را آغاز نمودند. این اعتصاب که با نظم و وحدت شایانی انجام گرفت ضربه سنگینی بر رژیم کودتا وارد ساخت. به‌دستور منوچهر اقبال نخست‌وزیر وقت عده‌ای از نمایندگان اعتصابیون را که در جلوی مجلس گردآمده بودند دستگیر کردند. در آن ایام بود که منوچهر اقبال در مجلس گفت: «از این کلمه اعتصاب بزم می‌آید... این لغت را توده‌ها آوردند».

در فروردین‌ماه ۱۳۳۸ کارگران زن از مدیریت کارخانه شهناز و همچنین از اداره کار اصفهان خواستار اضافه دستمزد شدند. سایر کارگران هم تقاضای اجرای مواد ده‌گانه قانون کار را داشتند. مدیریت کارخانه بلافاصله به‌سازمان امنیت مراجعه نمود. آن‌ها دو نفر از کارگران را توقیف کردند. ولی روز بعد - ۱۶ آبان - کارگران متحداً اعتصاب را آغاز نمودند. مأمورین سازمان امنیت عده‌ای از کارگران را به‌عنوان «محرک» دستگیر و ۱۸ نفر را به‌رفسنجان تبعید کردند. کارفرمایان ۸۵ نفر را از کار اخراج نمودند. ولی این اقدامات نتوانست روح مبارز کارگران را درهم

شکند. در سال ۱۳۳۹ کارگران کارخانه «شهناز» به‌اعتصاب ابتدایی دست زدند. نیروی ارتش محوطه کارخانه‌ها را اشغال نموده و رهبران اعتصاب را دستگیر نمودند. اما کارگران با اتحاد و یگانگی بی‌ظنیری به‌اعتصاب ادامه دادند و بالاخره پیروز هم شدند. بعد از ۶ روز اعتصاب هماهنگ کارفرما مجبور به عقب‌نشینی شد.

در مهرماه ۱۳۳۹ کارگران ساختمانی سد دز برای تأمین اضافه دستمزد و تقلیل ساعات کار دست از کار کشیدند. و در دیماه همان سال پس از حادثه انفجار در معدن زغال سنگ شمشک که منجر به‌قتل ۲۱ نفر شد، کارگران به‌تظاهرات علیه ظلم کارفرمایان و دولتیسان پرداختند.

در جریان انتخابات دوره بیستم هنگامی که دولت عده‌ای از دانشجویان را زندانی کرد، کارگران اصفهان و تبریز و پاره‌ای دیگر از مراکز صنفی به‌علامت اعتراض اعتصاب ۲۴ ساعته اعلام نمودند. در اواخر فروردین ۱۳۴۵ کارگران کارخانه‌های «نختاب» و «شهناز» اصفهان به‌عنوان اعتراض باخراج کارگران کار را تعطیل کردند. اعتصابیون در عین حال خواهان اضافه دستمزد بودند.

در اردیبهشت ۱۳۴۵ کارگران نفت مسجد سلیمان



عکاسی کارگران کوره‌پزخانه غیر انسانی است.

اعتصاب کردند. در همان روزها ۸۵۰ نفر راننده شرکت‌های نفت میتینگ همبستگی با کارگران اعتصابی تشکیل داده وطنی قطعنامه‌ای خواهان تعیین حداقل دستمزدها شدند. باز در همین ماه کارگران اخراجی از کارگاه‌های نساجی رشت در میدان شهر بست نشنستند. چهارصد نفر از کارگران، کارخانه «فارس» شیراز که تعطیل شده بود در مقابل عمارت استانداری به‌تظاهرات دست زدند و خواهان پرداخت حقوق معوقه و مستمری برای دوران بیکاری شدند.

در خردادماه خبر اعتصاب کارگران چهار کارخانه نساجی اصفهان که پرداخت حقوق معوقه را طلب می‌کردند منتشر شد. یکی از آن‌ها کارخانه نور بود که از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۴۵ کارگران آن ۵۲ بار اعتصاب نموده بودند.

در شهریورماه ۱۳۴۵ آتش‌نشان‌ها و رفت‌گران لنکرود دست به اعتصاب زدند. سپس کارگران منجیل اعتصاب کردند. ۲۸ آبان ۱۳۴۵ عده‌ای از نمایندگان کارگران بیکار که در میان آن‌ها راننده، بافنده، ریسنده، سیمانکار، بناء نجار، و ولی این اقدامات نتوانست روح مبارز کارگران را درهم

مکانیک، جوشکار، ریخته‌گر، گلگیرساز وجود داشت به‌اداره روزنامه‌ها رفته و خواستند که مطالبات آنان در روزنامه منجمد گردد. ۴ دیماه گروهی از بیکاران تهران در حالی که شماری در دست داشتند در جلوی کاخ نخست وزیری و سپس در جلوی در بازرسی نخست‌وزیری اجتماع کردند. در همین اوان گروهی از کارگران اخراجی کنسرسیوم بین‌المللی نفت در جلوی اداره کارگری شرکت نفت به‌تظاهرات پرداختند. کارگران فریاد می‌کشیدند: «با پولی که به‌نام حق اخراجی به‌ما می‌دهید، گذرانمایم هم ضمیمه کنید تا به‌کویت برای به‌دست آوردن کار برویم.» باز در دیماه در بندر مشهور ۳۵۰۰ نفر بیکار تظاهرات بزرگی ترتیب دادند. در پلاکات‌هایی که زحمت‌کشان بندر مشهور در دست داشتند چنین نوشته شد بود:

«هموطنان عزیز! ما اسیر نیستیم. ما برادران زحمت‌کش شما هستیم. گرسنگی و بیکاری خانواده‌های ما را به‌مرگ تهدید می‌کند. کودکان ما از ما نان می‌خواهند. به‌صوف ما ببینوند.»

و بالاخره در ۳۵ دیماه ۱۳۴۵ کارگران کارخانه حریربافی اصفهان دست از کار کشیدند. کارگران مزبور علت اعتصاب خود را عدم اجرای خواست‌های قانونی خود از طرف کارفرمای مربوطه اعلام داشتند.

در واقع می‌توان گفت که سال ۱۳۴۵ - سال اوج مبارزه توده‌های وسیع کارگران، دهقانان، روشنفکران و کلیه همبهن پرستان علیه رژیم ظلم و جور و کودتا بود. از ویژگی‌های این دوره از مبارزه گسترش آن پس از یک دوران چند ساله مبارزه اعتصابی کارگران، به‌کارمندان و دانشجویان و آموزگاران و سایر زحمت‌کشان شهر از یک‌سو و جنبه همگانی آن از سوی دیگر است.

پس از اعتصاب پیروزمندانه کارگران اصفهان در فروردین‌ماه ۱۳۴۵، اعتصاب آموزگاران در اردیبهشت ماه و سپس اعتصاب کارمندان پست و تلگراف و تلفن تهران نمونه‌ای از مبارزه متحد زحمت‌کشان ایران در راه بهبود وضع زندگی و تأمین آزادی‌های دمکراتیک می‌باشد.

علاوه بر سلسله اعتصاب‌هایی که در فوق از آن‌ها یاد شد، اختطار عمومی رانندگان و کمل‌رانندگان اتوبوس‌های تهران، اختطار کارگران نانوائی‌های تهران و سازمان آب، اعلام تصمیم متحد کارگران نفت تهران و همچنین اختطار کارمندان بانک‌ها و مؤسسات مالی دائر باین که اگر توجهی به‌خواست‌های مشروع آن‌ها نشود مباردت به‌اعتصاب همگانی خواهند نمود، نمونه‌های برجسته دیگری از اوج نهضت اعتصابی و مطالبات‌سای زحمت‌کشان کشور در سال ۱۳۴۵ است.

رژیم کودتا که از اوج جنبش کارگری در ایران هراسان بود به‌مانورهای جدید متوسل شد. تشکیل کنفرانس‌های کار و تجدیدنظر درباره‌ی از مواد قانون کار و بیمه‌های اجتماعی، تصویب قانون-همیم کردن کارگران در سود ویژه کارگاه‌ها، تشکیل سندیکاهای دولتی از سوئی و تشدید ترور و اختناق، جیس و شکنجه و اعدام کارگران از سوی دیگر از جمله تدابیری بود که شاه‌مطرد برای مهار کردن جنبش کارگری در ایران اتخاذ نمود.

ولی کارگران کماکان به‌مبارزه خود ادامه می‌دادند. در آبان ماه ۱۳۴۱ کارگران ساختمانی تهران که وزارت کار از ثبت سندیکای آنان امتناع می‌کرد، خواست‌های خود را مبنی بر شناختن سندیکای صنفی و استفاده از کارگران ایرانی به‌جای خارجی و اجرای قانون کار و تعیین حد اقل دستمزد کارگران ساده و استادکاران ساختمانی اعلام کردند.

در تیرماه ۱۳۴۱ خبر اعتصاب جدید ۲۵ هزار نفر کارگران کوره‌پزخانه‌ها منتشر شد. ۲۵ آبان ۱۳۴۲ کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی زاینده‌رود اصفهان به‌علامت اعتراض به‌عدم پرداخت حقوق سه‌ماهه دست به اعتصاب زدند و از خروج پارچه‌های تهیه شده از انبار کارخانه جلوگیری به‌عمل آوردند و برای احقاق حقوق و دریافت دستمزد معوقه کارخانه را اشغال نمودند.

در سال ۱۳۴۲ کارگران راه آهن و کارگران نفت چندین بار به‌اعتصاب‌های کوتاهمدت اقدام نمودند. روز اول ماه مه سال ۱۹۶۴ نمایندگان کارگران ۵۱ کارگاه تهران به‌مناسبت جشن اول ماه مه جلسه مشترکی تشکیل دادند. گرچه جلسه تحت نظارت وزارت کار و با



نظری اجتماعی به‌مبارزات طبقه کارگر ایران و

شرکت عده زیادی از کماشنگان وزارت کار در سندیکاهای برقرار گردید، با این‌همه مطالبات عده کارگران در جلسه مطرح و قطعنامه‌ای در ۱۳ ماده به‌تصویب رساندند که اهم آن عبارتست از اجرای کامل قوانین کار و بیمه‌های اجتماعی در تمام واحدهای کارگری اعم از صنعتی و صنفی به‌طور تساوی، لغو فوری ماده ۸ قانون کار و شمول مقررات قانون مذکور درباره کارگران کشاورزی، جلوگیری از اخراج‌های فردی و دسته‌جمعی و تدوین آئین‌نامه خاص جهت تأمین این هدف، تعیین فوری حداقل دستمزد براساس شاخص هزینه زندگی، به‌رسمیت شناختن حق اعتصاب، تقویت و حمایت صنایع داخلی از راه کنترل صحیح دولتی، تأمین مسکن و بیمه‌بیکاری جهت کارگران ایران و تجدید نظر در مالیات‌های غیر مستقیم و برقراری مالیات تصاعدی به‌درآمدهای مستقیم.

مقایسه خواست‌های مندرجه در این بیانیه با مطالبات مطروحه در قطعنامه شش‌ماه‌ای کنفرانس کار همان سال نشان دهنده درک عمیق مضلات از جانب کارگران و رشد آگاهی سیاسی آنان و امکان استفاده منطقی و انقلابی از سندیکاهای دولتی است.

۱۱ خرداد ۴۳ کارگران کارخانه صنایع پشم اصفهان به‌عنوان اعتراض نسبت به‌عدم پرداخت ۲۵ درصد سود کارگران دست از کار کشیدند.

اعتصاب ۷ آذر سال ۱۳۴۳ شانزده‌هزار نفر از تاکسی رانان تهران نقاب عوامفریبی را از چهره سران رژیم بردید، برخورد رژیم کودتا با اعتصابیون بار دیگر ماهیت ضد کارگری آن را آشکار ساخت. دولت وساطت نقلیه ارتش و سایر سازمان‌های دولتی را به‌جای تاکسی‌های اعتصابی به‌کار گمارد. سران سندیکاهای دولتی نقش‌دلای دولت را به‌عهده گرفتند. ولی با وجود این اعتصاب سه روز با وحدت قابل تحسینی ادامه داشت و بالاخره نیز دولت و کارفرمایان تا اندازه‌ای عقب‌نشسته، روزانه ده تومان از نرخ اجاره به‌نفع تاکسی رانان کاستند.

در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۴۴ کارگران معدن سرب راونج قم به‌علامت اعتراض به‌وضع طاقت‌فرسای کار و زندگی در تلگرافخانه دلچیان بست نشنستند. ولی مقامات دولتی به‌همدمستی صاحبان امتیاز معدن کارگران را از تلگرافخانه بیرون ریختند.

پدیده جالب این دوران از مبارزه کارگران، استفاده از سندیکاهای دولتی برای احقاق حقوق خود می‌باشد. اعتصاب تاکسی‌رانان تهران نمونه بارزی از این شیوه صحیح

مبارزه است. اعتصاب تاکسی‌رانان نشان داد که زحمت‌کشان می‌توانند از سندیکاهای دولتی به‌نفع اجرای خواست‌های اکثریت اعضای آن استفاده نمایند. در کارخانه پشم اصفهان نیز کارگران به‌علت عدم آزادی دست داشتند در بیکارگی اجباراً منعقد ساخته بودند. وقتی کارفرما از اجرای مواد پیمان سرپیچیده، کارگران متفقاً به‌این نتیجه رسیدند که اعتصاب را آغاز کنند، و چون متشکل بودند توانستند اراده خود را از راه اعتصاب خردا ۴۳ برکارفرما تحمیل کنند.

مثال دیگر دو اعلامیه‌ای است که از طرف یک سندیکای سندیکای کارگران فلزکار و مکانیک تهران و حومه روز اول ماه مه ۱۹۶۵ انتشار یافت. یکی از اعلامیه‌ها، چنان‌که از مضمون آن پیداست، توسط مأمورین وزارت کار و سازمان امنیت که بر رأس سندیکا قرار دارند تنظیم و پخش گردیده است. در این اعلامیه نه‌تنها تاریخ جشن اول ماه مه، روز همبستگی کارگران جهان تحریف گردیده، بلکه کلا به‌حد و ثنا از شاه اختصاص داده شده است. در مقابل این اقدام سران سندیکا، کارگران آگاه و مبارز که اکثریت اعضای سندیکا را هم تشکیل می‌دادند اعلام‌نشدیگری با مضمون و محتوی بس ارزنده و متین منتشر نمودند و در پایان اعلامیه خواست عمومی کارگران را در جهت اصلاح و اجرای قوانین کار و سازمان بیمه‌های اجتماعی و تعمیم آن با شرکت‌مستقیم نمایندگان منتخب کارگران در کارگاه‌ها و کارخانه‌های سراسر کشور برای رفع بیکاری، تجدیدنظر در مالیات‌های مستقیم، شمول بیمه کامل برای عموم کارگران ایران، تقویت و حمایت از صنایع داخلی، به‌وجود آوردن تسهیلات کافی جهت تشکیل سندیکاهای واحدهای کارگری، تعیین حداقل دستمزد، شناختن حداقل دستمزد، شناختن حق اعتصاب و جلوگیری

نظری اجتماعی به‌مبارزات طبقه کارگر ایران و

از اخراج‌های فردی و دسته‌جمعی بیان داشتند. نه‌تنها خواست‌های کارگران مندرجه در این اعلامیه، بلکه شعارهایی از قبیل: «مبارزه، وحدت، پیروزی شعار ما کارگران است!» حاکی از درک عمیق معنات سیاسی و اجتماعی از جانب کارگران است.

در نیمه دوم سال‌های چهل ترور دستگاه‌های پلیسی و سازمان امنیت رژیم شدت بی‌سابقه‌ای یافت و رژیم هر حرکت اعتصابی و اعتراضی را بی‌رحمانه سرکوب می‌کرد. در این سال‌ها طبقه کارگر ایران مورد شدیدترین پیگردها قرار گرفت ولی از با نشنست. و جنبش اعتصابی روز بروز گسترش بیشتری می‌یافت. در زیر فهرست ناقصی از اعتصابات کارگری از نیمه دوم سال‌های چهل به‌بعد را می‌آوریم:

کارگران کارخانه‌های نساجی تهران در سال ۱۳۴۷ به‌خاطر دستمزد دست به اعتصاب زدند. و در همین زمان ۱۳ هزار نفر نفتگران آبادان دست به اعتصاب زده و تمامی کارگران مناطق نفت‌خیز با آنان اعلام همبستگی نمودند. فروردین ۱۳۴۹، اعتصاب کارگران نساجی یزد، اصفهان، اعتصاب کارگران جلفا و کارخانه‌های آریا و شاهین، مقدم، فخرایران، اعتصاب هزار نفری کارگران کارخانه نورد اهواز، اعتصاب رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی در اسفندماه ۱۳۴۹، و راه‌پیمایی اعتراضی کارگران کارخانه قرقره زیبا.

اردیبهشت ۱۳۵۰، مبارزه رفتگران آبادان، اعتصاب و راه‌پیمایی کارگران چیت «جهان» در کرچ که صد‌ها نفر کشته و زخمی شدند. اعتصاب کارگران ماشین‌سازی اراک، کارخانه گونی‌بافی چنای، کارخانه نورد اهواز، کارگران ذغال‌سنگ، چیت‌سازی شهر ری، از جمله اعتصابات سال ۵۵ هستند.

۱۳۵۳، کارگران شرکت نفت در آبادان به‌مدت ۴۵ روز دست به اعتصاب زدند و با وجود تهدیدهای مطافل دولتی پایداری کرده و اعتصاب با موفقیت پایان گرفت. اعتصاب کارگران شاهی و محاصره کارخانه توسط نظامیان و کشتار کارگران.

مردادماه ۱۳۵۴ اعتصاب کارگران ایران ناسیونال که با اخراج ۶۵۰ نفر پایان یافت. شهریورماه اعتصاب کارگران توان‌بین که در اثر هجوم پلیس چندین نفر مجروح شدند. اعتصاب کارگران چاپخانه ۲۵ شهریور، سال ۱۳۵۵، اعتصابات کسارگران کارخانه‌های «شهناز»، بقیه در صفحه ۶

تسلط امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در میهن ما باید ریشه کن شود

زنده باد انقلاب پیروزمند ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران

کارگران ایران و ضد انقلاب

کلمه همه عملیات شیطانی و شومی که مکتب «ماکیاولیسم» سیاسی آن را مجاز کرده و امپریالیست‌ها در کاربرد آن‌ها استادند. زمینه روانی وسیعی در جهان و ایران برای این منظور فراهم می‌آید. بازار شایعات دروغ برای این زمینسازی گرم است. ضد انقلاب بمرغ طبقه کارگر هم می‌رود. البته با جامهٔ مبدل، با زبان چرب و نرم، برای تحریک احساسات باک، برای سوء استفاده از مشکلاتی که طبقه کارگر ایران با آن روبرو است. و این مشکلات هم متأسفانه ابدأ کم و کوچک نیست. بقیه در صفحه ۲

اکنون وظیفه‌ای از مقابله با ضد انقلاب و درهم شکاندن آن بالاتر نیست.

آن فرد انقلابی که عمده و غیر عمده، اصلی و فرعی را مخلوط کند و شعار فردا را امروز بدهد، نادانسته، در دام دشمن می‌افتد

ضد انقلاب در تدارک یورش است. اسلوب او همان اسلوبی است که همبجا، در ایران دوران حکومت ملی مصدق، در انقوونی علیه حکومت ضد امپریالیستی سوکارون، در شبلی علیه حکومت سوسیالیستی الینده، در بنگالهدز علیه حکومت ضد امپریالیستی مجیب الرحمن و نقاط دیگر به کار برده است. ترور، تحریک، تفتیش، ایجاد تفرقه، استفاده از مشکلات و ناخرسندی‌ها، استفاده از اشتباهات و خامی‌ها و روش‌های ناسنجیده احساسی، ایجاد هرج و مرج، ایجاد آشفتگی سیاسی، ایجاد مشکلات اقتصادی... در یک

شعرهائی

برای ماه مه!

«چون کارگران جهان،

دریا،

دریای بر تلاطم انسان!

این وسعت همواره هموار

— انسان کشتاران

انسان کارخانه و بارانداز —

□

اینان

این برادران من

این دریاوران

در قاره‌های دور و نزدیک

می‌زند

و در محله‌های دنیا

طنین و لولهٔ رستاخیز

بهر کرانه و بندر

می‌پیچد

که فصل، فصل رهائیست

فصل رهائی انسان

فصل رهائی نان.

□

وینجا

در این فلات سربل خاکستر

پس ماندهٔ تمامی غفرتان!

سرخیل گوربانان

شیرابه‌های جسم کسان را

هنوز می‌نوشند.

□

دیگر، برادران من

ای دریواران!

دست بلند زحمت را

چون رایتی عظیم بر افرازد،

با بازوان کار

باسینهٔ ستبر و پنجهٔ آهن

بیداد ظلم را

از پهنهٔ زمانه بروید،

تا هر پرندۀ آوازخوان خستهٔ مفنوم

برای دشت بخواند،

تا چشمه‌های مانده به تالاب‌های کور

بسوی بحر براند،

تا زندگی به باغ میهن دلننگ

شادمانه بخندد.

□

آی...

دریادان

رزم آوران جبههٔ رنج و کار

در عرصهٔ ستیزه و پیکار

فریادتان بلند،

بمبارت گران خرمن و خورشیدتان نژند.

۲ — او بود

« شما کارگران و کارکنان شرکت نفت شریان حیاتی اجانب را قطع کردید. کارگران و کارمندان شرکت نفت بودند که به واسطهٔ اعتصاب و قطع نفت، نهضت ملت را به پیروزی رساندند. »



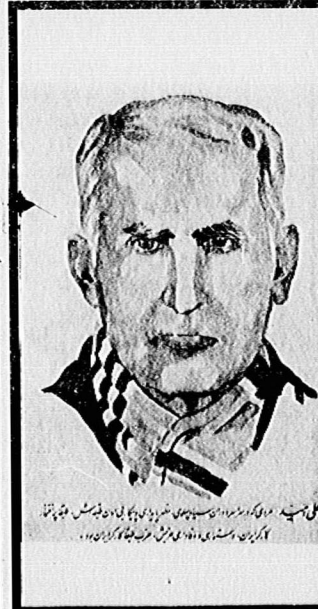
تاریخچهٔ برگزاری روز جهانی کارگران و زحمت کشان

طبقهٔ کارگر، قلب و بازوی انقلاب

روز بعد یعنی روز چهارم ماه مه پلیس آمریکا در شهر شیکاگو به صفوف کارگران یورش برد و عدهٔ بیشتری از آنها را کشته و یا زخمی کرد. سپس برای نخستین بار عده‌ای از رهبران کارگران اقدام کردند. در نخستین کنگرهٔ انترناسیونال دوم در سال ۱۸۸۹ تصمیم گرفته می‌شود که به یاد آن روز و به منظور نشان دادن همبستگی جهانی کارگران اول ماه مه هر سال به عنوان روز جهانی کارگران جشن گرفته شود. در سال ۱۸۹۵ مراسم باشکوه تمام برگزار می‌شود و از آن پس تاکنون، همه‌ساله اول ماه مه، روز بین‌المللی کارگران، در سراسر جهان با نمایشات و تظاهرات باشکوه همراه است. در کشورهای سوسیالیستی که طبقهٔ کارگر قدرت حاکمه را به دست آورده است زحمتکشان با اجتماعات چند ملیونی همبستگی خود را با برادران طبقه‌های خود در کشورهای سرمایه‌داری که هنوز به‌عنوان مختلف از جمله خیانت‌سویال‌دمکراسی و فریبکاری دیگر احزاب بورژوازی نتوانستند قدرت حاکمه را به دست گیرند و نیز با ملل تحت ستم و خلق‌های آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین که با امپریالیسم و ارتجاع داخلی به مبارزه برخاسته‌اند، اعلام می‌دارند.

از بدو پیدایش سرمایه‌دار و کارگر، مبارزهٔ آشتی ناپذیر میان دولت مدافع منافع سرمایه‌داری و طبقهٔ کارگر به وجود آمد. در ابتدا مبارزهٔ کارگران به شکل خودبه‌خودی و بدون هدف‌های سیاسی بود و گاهی کارگران، خشم خویش را علیه استثمار شدید سرمایه‌داران، با شکستن ماشین‌ها و خراب کردن کارخانه‌ها بروز می‌دادند. بعد از رشد مبارزات کارگری و دست‌یافتن به دانش رهائی از ستم سرمایه، کارگران نتوانستند در مبارزات یکپارچه خویش، خواست‌های صنفی و سیاسی خود را به سرمایه‌داران و دولت سرمایه‌داری تحمیل کنند. نخستین بار کارگران ساختمانی استرالیا در سال ۱۸۵۹ موفق شدند با مبارزات خود هشت ساعت کار روزانه را بر سرمایه‌داران تحمیل کنند. و به‌خاطر این پیروزی هر سال روز ۲۱ آوریل را در شهر وینکتوریا جشن می‌گیرند. کارگران آمریکای شمالی نیز از سال ۱۸۸۵ نخستین دوشنبه ساه ستایم را جشن گرفته و کار نمی‌کردند. در اول ماه مه ۱۸۸۶ کارگران آمریکای اعلام کردند که از این پس در روز هشت‌ساعت بیشتر کار نخواهند کرد و در این سال سراسر آمریکا شاهد مبارزات و اعتصابات کارگری بود. چهار

زمنهٔ شرکت فعال و هم‌جانانه کارگران در این مرحلهٔ حسان تاریخ معاصر میهن ما، زمین‌های کاملاً مهیا و آماده بود. مطالبی که جداگانه در همین شماره «مردم» پیرامون تاریخچهٔ نهضت کارگری ایران درج شده از ژرفا و گسترش آن گواهی می‌دهد. برشالودهٔ محکم تجربیات نبرد طبقه‌ای و استقلال طلبانه و آزادی خواهانه و صنفی خویش و بر پایهٔ درس‌گیری‌ها از حوادث و اعتصابات و مبارزات و تظاهرات چند سال اخیر خود، طبقهٔ کارگر ایران آمادگی هم‌جانانه داشت که در نهضت سراسر خلقی ایران جای شامخ



تبریک کنفدراسیون عمومی کار فرانسه به کارگران ایران بمناسبت اول ماه مه

کنفدراسیون عمومی کار، بزرگ‌ترین و با نفوذترین اتحادیهٔ کارگری فرانسه، طی پیامی به کارگران ایران، ضمن تبریک اول ماه مه، قیام پیروزمند کارگران و همهٔ میهن‌پرستان و دمکرات‌های ایران را بر ضد امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده آن ستوده و گامیابی بیشتر آن‌ها را آرزو کرده است. کنفدراسیون عمومی کار فرانسه باردیگر همبستگی کامل خود را با طبقهٔ کارگر و همهٔ مردم ایران تأکید کرده است.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک در جبهه متحد خلق